

متن سخنرانی جناب آقای دکتر احمد صدر حاج سید جوادی

که قرار بود در مراسم ششمین سالروز درگذشت دکتر یدالله سبحانی در حسینیه ارشاد ایراد شود

فروردین ۱۳۸۷

بسم الله الرحمن الرحيم

الا ان اولياء الله لاخوف عليهم و لا هم يحزنون. الذين ءامنوا و كانوا يتقون. لهم البشري في
الحيوه الدنيا و فى الاخره لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم (سوره يونس آيات ۶۲-۶۴)

ظالم به رفت و قاعده ضد از او بماند

عادل به رفت و نام نکو یادگار کرد

خانم ها، آقایان، حضار محترم

سلام عليكم

ضمن عرض تبریک نوروز و تولد پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و آرزوی سلامتی، بهبودی و آرامش برای شما عزیزان و تمامی ملت بزرگوار ایران، واجب می دانم که از سوی خود، خانواده ی زنده یاد دکتر یدالله سبحانی، ستاد برگزاری مراسم حاضر و همچنین یاران آن مرحوم در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران به شما حضار محترم، که به رغم تمامی دشواری ها و محدودیت ها در این مراسم گرد هم آمده اید، تشکر و قدردانی کرده و تداوم استقامت و پایداری را در صراط مستقیم جنبش آزادی خواهی و عدالت طلبی ملت ایران برای شما آرزو کنم.

سخنم را با آیاتی از قرآن مجید آغاز کردم که در آن از جمله صفات انسان مومن و با تقوا به شهامت و شادی اشاره شده است و خداوند به چنین فردی نه تنها در آخرت که در همین دنیا نیز بشارت داده است. زنده یاد دکتر سبحانی از جمله مومنانی بود که ترس و غم به دل دریایی اش راه نداشت. از همان روزی که خدمت به مردم را برگزید. در روزگاری که عافیت طلبی، سکوت و تمنا می توانست موهبات فراوانی برای وی به همراه آورد، او از جمله کسانی بود که با تکیه به مشی ایمانی و تقوای الهی نه در برابر ظلم سکوت کرد و نه تکدی حق خود کرد. سبحانی، آزاده مردی بود که آزادی و حقوق بنیادین ملت خود را در طی بیش از شصت سال مبارزه ی مداوم فریاد کشید و البته فریاد وی هرگز از جنس هیاهو و شعار نبود.

زنده یاد دکتر سحابی به عنوان چهره ای فرهنگی - سیاسی با بنیانگذاری نهضت آزادی ایران به طراحی و مهندسی روشی در مبارزات آزادی خواهانه ی ملت ایران پرداخت که سیاست ورزی را هم راستا با اخلاق گرایی، واقع بینی، احتراز از روزمرگی و منافع زودگذر گروهی و بانندی میدید. در بینش سحابی و یارانش، حضور در صحنه ی قدرت، چنان چه به تامین منافع مردم نیانجامد ارزشی ندارد و از همین روست که راهبرد جنگ حجت را بر می گزیند و البته به رغم ملامت ناصحان ملال اندیش، زندگی و سیاست ورزی اخلاق گرای سحابی نشان دهنده ی تحقق وعده الهی در آیات فوق است که پیروزی و بشارت در همین دنیا نیز مقدر است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که اندیشه ی روشن فکری دینی و آزادی خواهی و عدالت طلبی بر اساس الگوی بومی و امتناع سحابی و یارانش از به تن کردن قبای لیبرالیسم غربی و سوسیالیسم روسی، نسخه ی درمان دردهای نه تنها ملت ایران که خاورمیانه است و نشر و گسترش و پیروزی این اندیشه در ترکیه، تاجیکستان، افغانستان و برخی کشورهای دیگر گواه درستی و کارایی این بینش محسوب می شود. حتی در ایران نیز امروزه اگرچه جریان روشنفکران دینی که سحابی از بانیانش بود از بدیهی ترین حقوق سیاسی و انسانی خویش بی بهره است و یاران آن زنده یاد با تحمل ماه ها زندان انفرادی و محرومیت از بسیاری حقوق اجتماعی و سیاسی و نهایتا با سپردن وثیقه های سنگین، مصداق آشکار حبس خانگی را دارند اما ادبیات رایج جامعه ی سیاسی ایران به خصوص جریان اصلاح طلبی، نشان از سرزندگی و حضور مقتدرانه ی اندیشه سحابی و یارانش دارد.

حتما شنیده اید که زمانی که در سال ۸۰ اعضای نهضت آزادی و جمعی از فعالان ملی/ مذهبی و از جمله فرزند عزیز ایشان مهندس عزت الله سحابی بازداشت شدند، ایشان برای تظلم به مجلس شورای اسلامی رفتند و وقتی رییس محترم وقت مجلس به پیشواز ایشان رفتند، سحابی با صدای لرزان خود که بارها و بارها پایه های استبداد را به لرزه انداخته بود فریاد کشید که "آقا من برای عزت نیامده ام، من برای نهضت آمده ام" و به راستی سحابی که همواره به عمل جمعی و تاثیر آن اعتقاد داشت، نه تنها برای نهضت آزادی و اعضای آن به عنوان یک حزب، بیش از فرزند خود دغدغه داشت که بیشتر دل نگران جنبش و نهضت آزادی خواهی ملت ایران بود.

در خاتمه ضمن طلب مغفرت برای آن مرحوم از تمامی پویندگان راه آزادی و به خصوص جوانان عزیز و فعالان سیاسی این مرز و بوم می خواهم تا با حضور در این گونه جلسات در این امر بیشتر اندیشه کنند که راز جاودانگی سحابی، بازرگان، طالقانی و دیگر یاران ایشان نه در اصرار به ماندن بر اریکه ی قدرت و اولویت دهی به منافع فردی

و گروهی به هر بهایی بود که اتفاقاً بر عکس در مثنی سیاسی اخلاق مدار ایشان و تکیه بر منافع ملی و تقویت فرآیند دموکراسی بود و البته پذیرش چنین روشی و هزینه های آن امکان پذیر نبود اگر ایشان انسانی امیدوار، شاد و با شهامت نبود. سحابی امید داشت چرا که هرگز خسته نمی شد و حضور وی در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران تا واپسین ایام عمر، گواه صدق این حقیقت است. شاد بود چرا که هرگز غم از دست دادن مقام به دلش راه نداشت و از قدرت، معنایی جز مسوولیت نمیشناخت و با شهامت بود، چرا هرگز جز ترس از خدا از هیچ مستبدي نهراسید و از بیان هیچ سخن حقی پروا نداشت و در دوراهی برخورداری از قدرت و مقام و سایر مواهب این جهانی و بیان حق، در گزینش دومی یعنی حق طلبی، لحظه ای تردید نمی کرد. به زعم بنده عصاره ی زندگی سیاسی سحابی که می تواند پیامی برای همه ی ما علی الخصوص جوانان باشد این است:

ایمان، امید، اخلاق، تعقل و اعتدال